

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

رویکردی انتقادی به آیین دادرسی خانواده

(با تأکید بر قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱)

امین امیرحسینی

دانش آموخته دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: رویکردی انتقادی به آیین دادرسی خانواده (با تأکید بر قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱)

مؤلف: امین امیرحسینی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا، ویراستار ادبی و طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: مجتمع چاپ و صحافی برتر

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۹۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۶۹-۷

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

E-mail: press@isu.ac.ir • **www.ketabesadiq.ir** • **فروشگاه اینترنتی:**

سرشناسه: امیرحسینی، امین، ۱۳۷۰-

عنوان و نام پدیدآور: رویکردی انتقادی به آیین دادرسی خانواده (با تأکید بر قانون حمایت خانواده

مصوب ۱۳۹۱) // تألیف امین امیرحسینی

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۶۹-۷

موضوع: حقوق خانواده - ایران - تفسیر و استنباط

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ر ۹ الف/۵۴۰ KMH

رده بندی دیویی: ۳۴۶/۵۵۰۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۲۹۷۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
چکیده.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: کلیات.....	۲۱
۱-۱. اهمیت خانواده.....	۲۳
۲-۱. دادرسی.....	۲۸
۳-۱. جایگاه زنان.....	۳۰
۴-۱. پیشینه تقنین در حوزه خانواده.....	۳۱
۵-۱. دادرسی خانواده.....	۳۲
۶-۱. قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱.....	۳۳
۷-۱. نوآوری ها.....	۳۴
۱-۷-۱. نوآوری های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶.....	۳۵
۲-۷-۱. نوآوری های قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳.....	۳۶
۳-۷-۱. لایحه حمایت خانواده.....	۳۸
۴-۷-۱. قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱.....	۴۲
فصل دوم: آیین دادرسی دعاوی خانواده.....	۵۳
۱-۲. صلاحیت ذاتی.....	۵۳
۱-۱-۲. اذن در نکاح (تعریف صلاحیت، تبیین صلاحیت دادگاه خانواده، نقد و بررسی).....	۵۵
۲-۱-۲. نحله.....	۵۷
۳-۱-۲. عدم تعیین مرجع حل اختلاف دادگاه های خانواده و سایر دادگاه ها.....	۵۹
۴-۱-۲. رحم جایگزین.....	۶۳

۶۴	۲-۲. صلاحیت محلی.....
۶۶	۲-۳. جایگاه مراکز مشاوره خانواده در رسیدگی (ساختار و تشکیلات قضائی).....
۶۶	۲-۳-۱. تبیین و تشریح.....
۶۸	۲-۳-۲. آسیب‌شناسی.....
۷۰	۲-۳-۳. نقد و بررسی.....
۷۱	۲-۴. تشریفات در رسیدگی به دعاوی خانواده (آیین دادرسی به معانی خاص).....
۷۲	۲-۴-۱. تبیین و تشریح.....
۷۳	۲-۴-۲. سیر تطور.....
۷۵	۲-۴-۳. نقد و بررسی.....
۷۸	۲-۵. تنصیف دارایی.....
۷۸	۲-۵-۱. تبیین و تعریف.....
۸۲	۲-۵-۲. سیر تطور.....
۸۴	۲-۵-۳. ابهامات و اشکالات.....
۸۷	۲-۵-۴. نقد و بررسی (آسیب‌شناسی).....
۸۹	۲-۵-۵. بررسی راهکارها.....
۹۳	فصل سوم: اجرای احکام خانواده.....
۹۳	۳-۱. پلیس خانواده.....
۹۶	۳-۱-۱. اهمیت و جایگاه کودک در خانواده.....
۹۹	۳-۱-۲. جایگاه و الزامات پلیس در رفتار با کودکان بزهکاری.....
	۳-۱-۳. راهکارهایی برای اصلاح رفتار کودکان بزهکار در ارتباط با وظایف پلیس و دستگاه قضائی.....
۱۰۴	۳-۲. داوری در طلاق.....
۱۰۵	۳-۲-۱. تبیین و تعریف.....
۱۰۷	۳-۲-۲. سیر تقنینی داوری در طلاق.....
۱۱۱	۳-۲-۳. ضرورت و فلسفه داوری.....
۱۱۷	۳-۲-۴. تحلیل قانون حمایت خانواده.....
۱۲۰	۳-۳. نحوه اجرای تصمیمات.....
۱۲۳	۳-۳-۱. ثبت طلاق.....
۱۲۶	۳-۳-۲. گواهی عدم امکان سازش.....
۱۲۷	۳-۴. اجرای احکام در باب مهریه سنگین.....
۱۲۹	۳-۴-۱. تعریف.....

فهرست مطالب □ ۷

۱۲۹	 ماهیت ۳-۴-۲
۱۳۱	 نقد و بررسی اجرای احکام مهریه مازاد بر ۱۱۰ سکه بهار آزادی ۳-۴-۳
۱۳۹	 شرط عند الاستطاعه بودن مهریه ۳-۴-۴
۱۴۵	 نتیجه گیری و جمع بندی ۳-۴-۵
۱۵۵	 منابع و مآخذ ۳-۴-۶
۱۷۷	 نمایه ۳-۴-۷

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و.... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

چکیده

در سال ۱۳۹۱ قانون حمایت خانواده به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید که در واقع گامی مثبت در راستای حمایت از حقوق خانواده و حقوق زن برداشته است و البته از حیث ماهوی و شکلی اشکالاتی بدان وارد است. در این بررسی سعی بر آن است تا با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر دادرسی خانواده و اصول مورد پذیرش در این حوزه به بررسی و تدقیق در نهاد مزبور پرداخته شود.

برای نیل به این مقصود با مراجعه به مواد مندرج در قانون مزبور می‌توان دریافت که به قانون‌گذار از جنبه‌های صلاحیت‌های نهادهای دادرسی خانواده نظیر صلاحیت در نخله غفلت ورزیده است. به علاوه مرجع حل در موضوع صلاحیت‌های محلی نیز قانون‌گذار اختلاف در موارد حل اختلاف در صلاحیت را به نحو دقیق مشخص ننموده که مورد نقد است. در مورد دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ایرانیان مقیم خارج کشور نیز ابهاماتی وجود دارد که به ارائه پیشنهادهایی پرداخته شده است تا این معضل برطرف گردد.

از ابتکارات قانون‌گذار، بحث قاضی مشاور زن است که در موارد اختلاف با قاضی دادگاه، راهکاری برای حل اختلاف تعیین نشده که برای حل این معضل به ارائه راهکارهایی پرداخته شده است. به علاوه باید به

مراکز مشاوره توجه نمود که نهادهای مزبور نیز به لحاظ قدرت و ضمانت اجرای آراء خود با معضلاتی مواجه هستند و باید برای حل معضلات مزبور، اقداماتی صورت گیرد. در حوزه دادرسی باید به تنصیف دارایی اشاره نمود. تنصیف دارایی با وجود سه شرط مندرج در قباله‌های نکاحیه، آثار زیان‌باری را برای زوجه در راستای احقاق حق خود به دنبال دارد و باید به اصلاح آن همت گماشت که به ارائه ماده قانونی متناسب توجه شده است. در ادامه موضوع اجرای احکام خانواده مورد توجه قرار خواهد گرفت و بر اساس آن، نهاد اختصاصی پلیس خانواده پیشنهاد می‌شود تا قانون‌گذار در راستای اجرای احکام خانواده از پلیس‌هایی مرتبط با این حوزه و آموزش‌دیده بهره گیرد. به علاوه اجرای حکم داورى در طلاق نیز مورد انتقاد قرار می‌گیرد که به صورت کلیشه‌ای بدان توجه شده است و متأسفانه کارکرد خود را در مقام اجرای احکام خانواده از دست داده است و باید قانون‌گذار برای اجرای دقیق آن و نظارت بر حسن اجرای این نهاد، به تصویب مقرراتی همت گمارد. در نهایت موضوع مهریه‌های سنگین مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. در بسیاری از موارد، اجرای حکم دادگاه به علت بطلان مهریه مزبور منتفی خواهد شد که نظریات متعدد در این حوزه و نقد آن‌ها مورد توجه بوده و به ارائه راهکار خاتمه خواهد یافت.

واژگان کلیدی: آیین دادرسی، آسیب‌شناسی، مهریه سنگین، اجرای

احکام خانواده، پلیس خانواده.

مقدمه

با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد دعاوی خانوادگی، رسیدگی به دعاوی خانواده باید آیین دادرسی مجزا و متفاوتی داشته باشد و این امر ناشی از اهمیت فوق‌العاده و تفاوت اساسی دعاوی خانواده است. البته این موضوع مغفول واقع شده است. در ابتدا دعاوی خانواده، بر اساس قواعد قانون مدنی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت. در سیر قانون‌گذاری، قوانین حمایت خانواده مصوب سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ مورد توجه واقع می‌شد.

به‌علاوه، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز به تعیین قواعد شکلی دادرسی پرداخته است؛ اما این قانون، در باب حل و فصل دعاوی خانواده، خلأهای بسیاری دارد. در نهایت، در سال ۱۳۹۱ قانون حمایت خانواده، تصویب شده و صلاحیت دادگاه‌های خانواده در رسیدگی و شیوه‌های دادرسی دعاوی خانواده تغییر یافت.

با توجه به تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تغییراتی اساسی در حوزه صلاحیت محاکم، آیین دادرسی به معانی خاص، نظام‌های قضائی، دادرسی و حتی اجرای احکام خانواده پدید آمد که این تغییرات و تحلیل آن‌ها نیز مورد عنایت قانون‌گذار، قرار نگرفت.

در همین راستا، لزوم بررسی این تغییرات و تدوین آیین دادرسی خاص برای دعاوی خانواده و متناسب با سازوکارهای دعاوی خانواده،

ضروری می‌نماید. در این مجال هدف اصلی، توضیح این آیین دادرسی و تحلیل تغییرات در این نظام، است که تحلیل تغییرات ناشی از تصویب قانون حمایت خانواده، اهمیت توجه به این امر را دو چندان می‌نماید.

در حوزه تحولات باید اذعان داشت که قانون حمایت خانواده در حوزه تعدد قضات، تحول داشته است و بر همین اساس، دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌شود. (ماده ۲) همچنین در قانون مزبور، به قلمرو صلاحیت‌های دادگاه خانواده افزوده شده و برخی دعاوی نظیر حجر و... در حوزه صلاحیت این دادگاه قرار گرفته که باید مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد که در مجموع، امری مثبت ارزیابی می‌شود. (ماده ۲۸)

عدم الزام به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی، امری است که در ماده ۸ قانون مزبور مورد توجه قرار گرفته است. البته این امر با برخی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی تعارض دارد که نیازمند تحلیل و بررسی است.

نوآوری دیگر قانون مزبور، موضوع ایجاد مراکز مشاوره است که ایجاد مراکز مزبور نیز باید مورد توجه قرار گیرد (ماده ۲۵) و اینکه وفق قانون مورد بحث، مراکز مزبور می‌توانند، نقشی در کاهش آمار مراجعات به دادگاه‌ها داشته باشند یا این موضوع تأثیر قابل توجهی در حمایت از نهاد خانواده، نخواهد داشت؟

الزام به ثبت ازدواج موقت نیز از نوآوری‌های این قانون است (ماده ۲۱) که در این حوزه، آراء فقها متعدد است و نیازمند آن است که به‌صورت منظم و روشمند مورد بررسی قرار گیرد.

تغییر اساسی در وضع داوران منتخب زوجین، شیوه انتخاب آن‌ها و ممنوعیت حضور کودکان در دادگاه خانواده، از امور شکلی است که در شیوه دادرسی و آیین دادرسی دعاوی خانواده مورد توجه و تأیید قرار گرفته است.

در حوزه آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها نیز باید اذعان داشت که قانون مزبور دارای آسیب‌هایی است که نمی‌تواند به‌طور کامل و جامع، به تحکیم

بنیان خانواده و حمایت از آن اقدام کند.

یکی از این آسیب‌ها، موضوع داوری در طلاق است که بر اساس شیوه قانون مزبور و تشریفات مذکور در آن، این امر به نهادی تشریفاتی تبدیل شده است که نمی‌تواند تضمین‌کننده حمایت از خانواده در برابر فروپاشی آن باشد؛ بنابراین باید با ایجاد تمهیداتی که به نحو مفصل بحث خواهد شد برای وصول به هدف مزبور اقدام نمود. همچنین در حوزه تشریفات دادرسی نیز اشکالاتی وارد است که موجبات اطاله دادرسی را فراهم آورده و موجب شده است که دعاوی خانواده بدون ضرورت، طولانی شود.

در باب صلاحیت‌های جدید دادگاه خانواده، باید اذعان داشت که در یک نگاه جامع، رویکرد مثبتی وجود دارد.

در باب راهکارهای تحقق حمایت از خانواده، در این مجال، برای حل برخی از مشکلات این قانون، راهکارهایی وجود دارد که بر اساس آن، برخی دعاوی نظیر خسارات نامزدی، باید به دادگاه‌های عمومی واگذار گردد و از حوزه صلاحیت دادگاه خانواده خارج گردد.

در تصویب قانون مزبور در موارد متعددی، اصولی نظیر غیر تشریفاتی بودن، محرمانه بودن، حکمیتی بودن به معنای واقعی، آموزشی بودن، کاهش آمار طلاق از پیشگیری از وقوع آن و مواردی از این دست نقض شده است که با توجه به اصول مزبور، دعاوی خانواده با اطاله کمتری مواجه خواهد شد.

در برخی موارد، قانون حمایت خانواده با خلأهایی مواجه است؛ نظیر ضرورت تشکیل پلیس خانواده که قانون حمایت خانواده از آن غفلت نموده است و پیشنهاد می‌گردد تا این نهاد نیز در دادگاه خانواده تشکیل گردد.

در نهایت، در حوزه اجرای احکام خانواده، قانون حمایت خانواده تمهیدات لازم را نیندیشیده که مورد انتقاد است. در این مجال لازم است تا به تبیین تاریخچه و پیشینه این موضوع پرداخته شود. بر همین اساس در زیر به مباحث مطروحه در این زمینه پرداخته خواهد شد.

- در مقاله «بحثی در اطراف قانون حمایت خانواده» که در مجله کانون

وکلا، صفحات ۴۲ تا ۴۹، شماره ۱۳ که در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است، دکتر محمدحسین قندهاری به بررسی جنبه‌هایی از این موضوع در باب رسیدگی به امور حسبی پرداخته است و موضوع دادرسی دادگاه‌ها در امور حسبی را مورد توجه قرار داده است. در تحلیل نهایی، این تغییرات را به ضرر حمایت از کیان خانواده دانسته است.

- در مقاله «وضعیت اشتغال زنان در قانون حمایت خانواده» که در مجله فقه و حقوق خانواده، صفحات ۲۵ تا ۷۶، به شماره ۵۴ و در بهار و تابستان ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است، دکتر محمدعلی خورسندیان نیز به این موضوع پرداخته و دادرسی در دعاوی اشتغال زوج را به شیوه جدید در باب رویکرد جدید قانون حمایت خانواده، مورد نقد قرار داده و موجب اطاله دادرسی دانسته است.

- همچنین در مقاله «قانون حمایت خانواده چگونه اجرایی می‌شود؟» که در مجله حقوق مردم، صفحات ۲۵ تا ۷۶، شماره ۲۱، و در پاییز ۱۳۴۹ منتشر شده است، دکتر ابراهیم تقوایی، موضوع شیوه رسیدگی دعاوی طلاق در دادگاه‌های خانواده را مورد توجه قرار داده است و به شیوه‌های رسیدگی دادگاه‌های خانواده انتقاد وارد می‌آورد که دادگاه‌های مزبور، در رسیدگی به طلاق، در حوزه داوری و حکمیت، آن را به شیوه‌ای صوری مورد تدقیق و انتقاد قرار می‌دهد و لزوم توجه بیشتر به حکمیت را امری ضروری برای دادگاه‌ها می‌داند. در نهایت، تغییرات جدید قانون را راهکاری برای حل این معضل نمی‌داند.

- در مقاله «بحثی نو درباره قانون حمایت خانواده»، که در مجله کانون وکلا صفحات ۹۴ تا ۹۵، شماره ۱۲۸ و ۱۲۹ و در سال ۱۳۵۳ منتشر شده است، دکتر اکبر شکبیا از حیث اطاله دادرسی به این موضوع می‌نگرد و در دعاوی خانواده، اطاله دادرسی را راهگشای کاهش طلاق و تحکیم بنیان خانواده نمی‌داند. در نهایت، از شیوه قانون حمایت خانواده جدید انتقاد می‌کند که به این مشکل دامن زده است.

- در مقاله «بررسی نوآوری‌ها و چالش‌های ماهوی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱» که توسط دکتر سید محمدمهدی قبولی درافشان و دکتر سعید محسنی در فصلنامه مطالعات زن و خانواده در پاییز و زمستان ۱۳۹۳ و در شماره ۴ منتشر شده است، نویسندگان فوق‌الاشعار، به تبیین نوآوری‌ها و آسیب‌شناسی این نهاد، در حوزه امور ماهوی پرداخته‌اند و به موضوعات شکلی و آیین دادرسی در این حوزه توجهی صورت نگرفته است.

در این مجال به بررسی تمامی مواد قانون حمایت خانواده از حیث آیین دادرسی و صلاحیت محاکم پرداخته می‌شود. به‌علاوه، بررسی اشکالات قانون جدید، تحلیل مواضع قانون‌گذار و آثاری که بر نهاد خانواده به‌جای می‌ماند نیز مورد توجه است.

در باب اهمیت و هدف (ثمره بحث) باید بیان داشت: هدف نظری، رسیدن به اصول و ملاک‌هایی دقیق در راستای حمایت از کیان و حریم خصوصی خانواده و تفکیک آن از سایر دعاوی جاری در نظام قضائی است. در باب هدف عملی، کتاب حاضر در صدد جلوگیری از گسترش طلاق در دعاوی خانواده و بررسی جایگاه و نقش قواعد و اصول حاکم بر قانون جدید از حیث حمایت از نهاد خانواده و کاهش میزان طلاق است.

به‌علاوه، به بررسی قانون حمایت خانواده از جنبه حمایت از حقوق خانواده پرداخته می‌شود؛ بدین معنا که آیا قانون مزبور، موجب تحکیم حمایت از خانواده می‌گردد یا خیر؟

در این مجال، شیوه‌ها و آیین دادرسی خانواده مورد بحث قرار خواهد گرفت و در نهایت به تحلیل، نقد و بیان تغییرات حاصله در دادرسی خانواده ناشی از قانون حمایت خانواده پرداخته خواهد شد.

حال سؤال اساسی آن است که:

۱. تحولات آیین دادرسی دعاوی خانواده در نظام حقوقی ایران به ویژه در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ چه بوده است؟
۲. اشکالات و آسیب‌های موجود در قانون مزبور و سایر قوانین مصوب

در حوزه خانواده چه بوده و راهکارهای آن چیست؟

برای تبیین سؤالات مزبور باید به بیان فرضیات در این زمینه پرداخت. در مقام بیان فرضیات نیز باید اذعان داشت:

۱. اصلی‌ترین تحول آیین دادرسی دعاوی خانواده حرکت به سمت یک دادرسی افتراقی کامل در مورد این دعاوی است. نظام تعدد قضات، الزام قاضی زن، توسعه صلاحیت دادگاه خانواده، عدم الزام به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی، ایجاد مراکز مشاوره، ممنوعیت حضور کودکان در دادگاه‌ها، داوری در طلاق و از جمله موارد این تحولات محسوب می‌شود.

۲. عدم توانایی در تحکیم اساس خانواده، اطاله دعاوی با موضوع خانواده، بی‌توجهی به اصولی نظیر غیرتشریفاتی بودن، محرمانه بودن، حکمیتی بودن به معنای واقعی، جلوگیری از طلاق و کاهش آمار طلاق، همچنین پیشگیری از طلاق، تأکید بر آموزش‌های ضروری به زوجین و مواردی از این دست، از جمله آسیب‌ها و ایرادات نظام دادرسی خانواده در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ است.

در باب راهکار نیز پیشنهاد می‌گردد تا برخی از مواردی که در حوزه صلاحیت دادگاه خانواده قرار گرفته است؛ نظیر خسارات نامزدی، به دادگاه‌های عمومی محول شود. همچنین در حوزه اجرای احکام نیز به تشکیل نهاد پلیس خانواده و اجرای احکام ویژه خانواده، اقدام گردد. به‌علاوه، با در نظر گرفتن شرایط افراد، تمهیداتی در راستای عملی شدن داوری در طلاق در نظر گرفته شود.

بر همین اساس، بین حقوق‌دانان در باب نقض یا عدم نقض قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ توسط قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اختلاف وجود دارد.

به‌طور کلی، در این باب که با تصویب قانون جدید، قوانین سابق، به ویژه قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ به‌صورت کلی یا جزئی نسخ شده، اختلاف است؛ ولی باید بیان داشت که قانون قبلی در حدودی که

وضع قانون صورت گرفته، نسخ شده و در بقیه موارد، مواد آن لازم‌الاجرا و متبع است.

با اینحال، باید با بررسی قوانین از ابتدای دوره قانون‌گذاری در ایران، امتیازات، خلأها و اشکالات را بررسی نموده و تلاش کرد تا متناسب با نیازهای روز، قانون از غنای لازم برخوردار و موارد مبهم، شفاف‌سازی شود. برای مثال، بر اساس اصول قانون اساسی، همه دادگاه‌ها باید علنی بوده و به تعبیر دیگر، اصل، بر علنی بودن دادگاه است؛ اما به دلیل ویژگی‌های دادگاه خانواده در قوانین قبلی، این دادگاه‌ها الزاماً باید غیرعلنی برگزار شوند، اکنون که در قانون جدید از آن سخنی به میان نیامده است، آیا می‌توان به اصل رجوع کرد؟

در این حوزه، موضوعاتی از این دست وجود دارد که نیازمند مطالعه، تحقیق و تدقیق است.

